

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

صفحات: ۴۷-۶۳

سیاست خارجی ترامپ و معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران

نصرت‌الله حیدری*

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

سیدعبدالله میرغیانی

استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد پرند و رباط کریم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

تحلیل و بررسی سیاست خارجی ترامپ و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از موضوعات مهم و نیازمند به پژوهش است. با روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ م در آمریکا، سیاست خارجی این کشور دچار تغییرات اساسی شده است. ترامپ با اتخاذ راهبرد اول آمریکا و نفی مسئولیت‌های بین‌المللی و پیگیری سیاست خارجی منفعت‌طلبانه ناچار به مداخله‌گرایی گزینشی و سیاست خارجی تهاجمی شده است. خروج از معاهدات دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی، مخاطراتی برای نظام بین‌المللی به وجود آورده است. این مقاله در تلاش است تا تأثیر سیاست خارجی دولت ترامپ بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید. سؤال اساسی این پژوهش این است که سیاست خارجی و اقدامات ترامپ در خاورمیانه چه آثار و پیامدهای امنیتی بر ایران داشته است؟ پاسخ موقت به این سؤال به عنوان فرضیه پژوهش این است که سیاست خارجی و اقدامات دونالد ترامپ برای جمهوری اسلامی ایران مشکلات و تنگناهای امنیتی به وجود آورده است. محقق با بهره‌گیری از نظریه رئالیسم تهاجمی، به دنبال پاسخ به این سؤال است. از نتایج این پژوهش می‌توان اشاره کرد که آمریکایی‌ها به دنبال سلطه و هژمون بر منطقه خاورمیانه و ایجاد نظم سیاسی جدید در آن و تضعیف محور مقاومت هستند و این عناصر به شکل‌گیری معمای امنیتی برای ایران تبدیل شده است.

واژگان کلیدی: امنیت، ایران، سیاست خارجی ترامپ، رئالیسم تهاجمی.

* نویسنده مسئول مکاتبات: m.nosratheidari@gmail.com

مقدمه

با روی کار آمدن دونالد جان ترامپ در ژانویه ۲۰۱۶ به عنوان رئیس‌جمهور امریکا، سیاست خارجی این کشور دچار تغییرات اساسی شده است. برخی سیاست خارجی ترامپ را به لحاظ نظری دارای رگه‌هایی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی می‌دانند (کریمی‌فرد، ۱۳۹۷: ۲۸۵). چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور امریکا با رویکردی کاملاً متفاوت با دیگر رؤسای جمهور این کشور، نگاهی ملی‌گرایانه و اقتصادمحور به روابط بین‌الملل دارد. البته، نقش نخبگان، کنگره، احزاب و دیگر لابی‌های قدرت در سیاست خارجی امریکا را نمی‌توان نادیده گرفت. اما رئیس‌جمهور در امریکا از قدرت بالایی برخوردار است. ماده ۲ قانون اساسی امریکا، رئیس‌جمهور را مسئول سیاست خارجی و فرمانده کل قوا می‌داند تا اهداف و منافع امریکا را تأمین کند.

با روی کار آمدن ترامپ و شعار نخست «امریکا»، او از امریکا در برابر نظام بین‌الملل و معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی سلب مسئولیت کرد. خروج از برجام، نفتا، معاهدات آب و هوایی، ترانس پاسیفیک... بخشی از این اقدامات دونالد ترامپ است. این رویکرد سیاست خارجی ترامپ، به رادیکالیزه شدن نظام بین‌المللی و روی کار آمدن افراد و جریان‌های تندرو و جنگ‌طلب در کاخ سفید و مراکز حساس نظامی و امنیتی امریکا کمک کرده است. ترامپ نشان داده است که نه برای ساختارهای سیاسی امریکا ارزش قائل است و نه به اصول پذیرفته‌شده سیاست خارجی این کشور بها می‌دهد (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۳۳).

اقدامات و رویکردهای ترامپ در سیاست خارجی امریکا، فضایی آنارشیک را در روابط بین‌الملل ایجاد کرده است. طبیعتاً این شرایط موجب گسترش رقابت تسلیحاتی و بحران امنیتی در جهان شده است.

خاورمیانه از جمله مناطق مهم و حساس به لحاظ ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک برای امریکا است. انتخاب عربستان و اسرائیل به عنوان اولین مقصدهای سفر خارجی ترامپ گویای این امر است. امریکا به دنبال سلطه و هژمون بر منطقه خاورمیانه در راستای تضمین منافع امریکا و متحدان و هم‌پیمانان خود از جمله اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. اقدامات دونالد ترامپ در این راستا چون خروج از برجام، تشدید تحریم‌ها، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه ایران و فروش سلاح و جنگ‌افزار و حتی تهدید به تغییر رژیم در ایران از پیامدهای سیاست خارجی ترامپ بر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بی‌شک، این اقدامات منجر به شکل‌گیری معمای امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران گردیده است.

سؤال مقاله حاضر این است که سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی داشته است؟ به نظر می‌رسد این اقدامات و اهداف دونالد ترامپ، به معما و تنگنای امنیتی برای ایران تبدیل شده است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است. روش گردآوری منابع آن به شیوه کتابخانه‌ای است.

در این نوشتار، مقصود از اهداف و نتایج سیاست خارجی ترامپ هم در قلمرو نظر و هم عمل است که منجر به معمای امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران شده است.

پیشینه تحقیق

سیاست خارجی دولت ترامپ مورد توجه محققان و پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واقع شده است. در ایران در این زمینه، مطالعات محدودی به انجام رسیده است که در ذیل به شکل موجز، به چند مورد از این مقالات علمی-پژوهشی اشاره می‌گردد:

سلیمان‌زاده و دیگران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «راهبرد سیاست خارجی ترامپ»: هیبرید نوانزوگرایی-واقع‌گرایی عقیده دارند که سیاست خارجی ترامپ در قالب دو راهبرد «تخت آمریکا» و «احیای مجدد آمریکا» قابل تحلیل و بررسی است.

کریمی‌فرد (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل» به رگه‌هایی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی اشاره داشته است. یزدان‌فام (۱۳۹۶) و دهشیار (۱۳۹۶) نیز به شکل کلان به سیاست خارجی ترامپ پرداخته‌اند.

یزدان‌فام (۱۳۹۵)، همچنین در مقاله‌ای دیگر، تحت عنوان «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران» به واکاوی سیاست خارجی ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران اشاره داشته است.

۱- چارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی

رئالیسم تهاجمی را «جان مرشایمر»^۱ مطرح کرده است. او اشاره می‌کند که قدرت‌های بزرگ مترصد فرصت‌هایی برای بدست آوردن قدرت به بهای مقهور ساختن دول دیگر هستند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۵).

نقطه تمرکز این نظریه بر قدرت‌های بزرگ است، زیرا این کشورها هستند که بیشترین تأثیر را بر عرصه روابط بین‌الملل دارند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۵). مع‌هذا این نظریه به قدرت‌های کوچک نیز ارتباط دارد. کنت والتز می‌نویسد: تئوری کلی سیاست بین‌الملل نیز شامل دولت‌های

۱. John Mearsheimer

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
کوچک‌تر می‌شود تا آنجا که تعامل‌شان از دخالت قدرت‌های بزرگ محافظت شود، تعامل می‌کنند، اعم از اینکه با بی‌تفاوتی نسبی از عواقب بی‌بهره باشند یا به واسطه مشکلات ارتباطات و نقل و انتقال باشد (Waltz, ۱۹۷۹: ۳).

سرنوشت کلیه کشورها چه قدرت‌های بزرگ و چه قدرت‌های کوچک‌تر عمدتاً و در وهله نخست، به واسطه تصمیم‌ها و کنش‌های کشورهای کشورهایی که دارای بیشترین قابلیت هستند، رقم می‌خورد. به عنوان مثال، در فاصله سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰، تقریباً تمامی نقاط جهان سیاست شدیداً متأثر از روابط رقابت‌آمیز اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا بود (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۵).

قدرت‌های بزرگ عمدتاً بر اساس میزان توانایی‌های نظامی نسبی‌شان ارزیابی می‌شوند. یک کشور اگر می‌خواهد به عنوان یک قدرت بزرگ شناخته شود، باید برای مبارزه با قوی‌ترین کشور جهان در یک جنگ متعارف همه‌جانبه امکانات نظامی کافی داشته باشد (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۶ و ۱۹-۱۰، Levy, ۱۹۸۳). البته، این کشور لازم نیست توانایی شکست دادن ابرقدرت را داشته باشد، اما دست کم باید توان تبدیل مناقشه به یک جنگ فرسایشی را داشته باشد.

از دیدگاه مرشایمر، قدرت‌های بزرگ در پی کسب قدرت هستند. مرشایمر اشاره می‌کند که نظام بین‌الملل دولت‌ها را برمی‌انگیزد تا در پی جایگاه هژمون باشند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۱۴). زیرا این تنها راه مطلوب برای به حداکثر رساندن امنیت است. به عبارت دیگر، بقا مستلزم رفتار تهاجمی است. قدرت‌های بزرگ نه به علت گرایش ذاتی‌شان به قدرت، رفتار تهاجمی در پیش می‌گیرند و نه به این علت که دلشان می‌خواهد، بلکه دلیل این امر آن است که دولت‌ها اگر بخواهند بخت بقای خود را افزایش دهند، باید قدرت بیشتری بدست بیاورند (همان، ۲۵).

مرشایمر معتقد است کشورها برای به دست آوردن قدرت و حفظ آن، هنگامی که قدرت‌های بزرگ دیگر تهدید به برهم‌زدن توازن قوا می‌کنند، به باجگیری و جنگ روی می‌آورند. البته، قدرت‌های بزرگ اگر با رقیبی خطرناک مواجه شوند، به استراتژی «موازنه» و «احاله مسئولیت» روی می‌آورند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۱۴).

در ایجاد موازنه، دولت مورد تهدید می‌پذیرد که بار بازدارندگی دشمن را به دوش می‌کشد و متعهد می‌شود که برای رسیدن به آن هدف، منابع قابل‌توجهی را به کار گیرد یا در بحث استراتژی احاله مسئولیت، قدرت بزرگ تلاش دارد که کشور دیگری را وا دارد تا مسئولیت کنترل و سرکوب قدرت تهدیدکننده را بر عهده گیرد (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۱۴).

مرشایمر معتقد است که دولت‌ها برای بدست آوردن قدرت رقابت می‌کنند و به دنبال قدرت هژمون هستند.

مفروضات بنیادین نظریه رئالیسم تهاجمی عبارتند از:

الف) نظام بین‌الملل آنارشیک است.
ب) قدرت‌های بزرگ ذاتاً دارای حدی از قابلیت تهاجمی هستند.
ج) دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در مورد مقاصد و نیات دولت‌های دیگر مطمئن شوند.
د) نخستین و اصلی‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ، تضمین بقا است.
ه) قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلانی هستند. آن‌ها نسبت به محیط خارجی خود آگاهند و برای بقای خود در این محیط، رفتار استراتژیک مناسب را انتخاب می‌کنند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳۶).

۲- معمای امنیت^۱

رنالیست‌ها معتقدند که ناامنی ویژگی بارز نظام بین‌الملل است و همچون هنجار عادی پیوسته وجود دارد. البته این به معنای نبود مطلق امنیت در عرصه بین‌الملل نیست، زیرا حداقلی از امنیت مقتضای وجود بازیگران و نظام است، اما آنچه وجود دارد غلبه ناامنی بر امنیت در حوزه نظام بین‌المللی است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۶۸).

مرشایمر می‌گوید: احتمال دارد جنگ دائمی ویژگی همیشگی نظام بین‌الملل نباشد، اما همواره رقابت امنیتی بی‌رحمی وجود خواهد داشت که در آن جنگ مانند باران همواره محتمل است.

رنالیست‌ها معتقدند که تنها قدرت است که می‌تواند از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ توسط حریف جلوگیری کند و در صورت وقوع مانند شکست در جنگ شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۸۲).
ایده دوراهی امنیت را اولین بار جان هرترس^۲ در دهه پنجاه میلادی مطرح کرد و بعدها ولر^۳ و بوت^۴ آن را توسعه دادند.

هرترس معتقد است این مفهوم یک باور ساختاری است که در آن تلاش‌هایی که کشورها برای تقویت امنیت خود انجام می‌دهند، اقدامی دفاعی تفسیر می‌شود، ولی اقدام مشابه دیگران به صورت بالنده، تهدیدآمیز قلمداد می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۷۰).

دولت‌ها همواره نگران هستند که امنیت آن‌ها مورد هجوم، تأثیر، تسلط یا نابودی از سوی دیگران واقع شود. گروه‌ها یا افراد نگران امنیت خود در برابر مورد حمله قرار گرفتن، مقهور شدن، تحت سلطه در آمدن یا نابود شدن توسط دیگر گروه‌ها یا افراد هستند. آن‌ها برای در امان

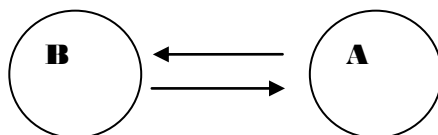
^۱ - Security Dilemma

^۲ - John Hertz

^۳ - Wheeler

^۴ - Booth

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
 ماندن به قدرت بیشتر روی می‌آورند. این به نوبه خود دیگران را بیشتر نگران امنیت‌شان می‌کند
 و آن‌ها را وا می‌دارد که خود را برای بدترین حالت آماده کنند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۸: ۷۰).
 این مسأله باعث طرح ایدهٔ تنگنای امنیت شده است. تنگنای امنیت در صورتی که شناخته
 نشود و به اندازه کافی با دیپلماسی و مهارت سیاسی اداره نشود، موجب بروز منازعه مسلحانه
 خواهد گردید (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۸: ۷۱).
 شکل‌گیری معما و یا تنگنای امنیت را در قالب رفتار دو بازیگر به شرح ذیل می‌توان ترسیم
 کرد.



الف- اگر A اقداماتی مانند تسلیح خود و مهار نهادهای محلی انجام دهد، این اقدامات حتی
 اگر کاملاً به منظور دفاعی انجام شده باشد، می‌تواند سبب شود که B احساس امنیت کمتری
 کند.

ب- B اقدامات خاص خود را برای تأمین امنیت در مقابل A انجام می‌دهد که به نوبه خود
 A را تهدید خواهد کرد.

ج- بنابراین، تلاش هر گروهی برای تأمین امنیت خود موجب کاهش امنیت دیگر کشورها
 می‌شود. که این وضعیت را تنگنای امنیت می‌خوانند (همان).

عمدهٔ محورهای رئالیست‌های تهاجمی در بحث معادلهٔ امنیت عبارتند از:

۱- آنارشی وجه بارز نظام بین‌الملل است. بنابراین، ناامنی وضعیتی اجتناب‌ناپذیر در محیط

بین‌الملل است و همین امر دولت‌ها را به کسب قدرت وادار می‌کند؛

۲- کسب قدرت یک دولت، به معنای از دست دادن قدرت دولت دیگر است. این مسأله

دولت‌ها را وارد بازی با حاصل جمع صفر می‌کند، لذا نتیجه این بازی، تضاد و کشمکش

است (Waltz, ۱۹۷۹: ۸۸-۹۳)؛

۳- بی‌اعتمادی به انگیزه‌های دیگران؛

۴- دولت‌ها همواره سود مطلق را به سود نسبی ترجیح می‌دهند؛

۵- همهٔ دولت‌های تجدیدنظر طلب دسترسی به جایگاه هژمونیک را در دستور کار دارند.

همان‌طور که اشاره شد، رئالیست‌های تهاجمی جنگ را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که نتیجه آن، بروز
 ناامنی است. آن‌ها در دکترین امنیتی کاهش احتمال وقوع جنگ را ناکارآمد و غیرمطلوب
 می‌دانند و بر روی گزینه کاهش احتمال شکست در جنگ متمرکز هستند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۸:

از دیدگاه رئالیست‌ها، ساختار آنارشیک دولت‌ها را ملزم می‌کند که برای تضمین منافع اساسی خود به دنبال قدرت باشد و سایر ارزش‌ها را در اولویت بعدی قرار دهند (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

۳- سیاست خارجی ترامپ

تحلیل و واکاوی سیاست خارجی دولت‌ها از مباحث مهم در عرصه روابط بین‌الملل است. سه جریان اصلی در مطالعه سیاست خارجی قابل طرح است (یزدان‌فام، ۱۳۸۸). جریان اول، ذیل نظریه‌های واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی که بر نقش دولت به عنوان بازیگر اصلی تأکید دارد. در این جریان، ساختار نظام بین‌الملل در سیاست خارجی نقش اساسی دارد. جریان دوم، رفتارگرایی است که برخلاف جریان اول برای دولت موجودیتی واحد قائل نیست. آنان بر شکافتن دولت و شناخت انگیزه‌ها، گرایش‌ها، اهداف و ویژگی‌های آن متمرکز هستند. سومین جریان در قالب تفکر اثبات‌گرایانه مطرح است. در این جریان، به سیاست خارجی توجه می‌شود. سازه‌انگاری راهی میانه در این جریان است که به تعامل میان ساختار و کارگزار توجه دارد (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۴۱).

حزب جمهوری‌خواه در سیاست خارجی آمریکا به سه جریان مربوط می‌شود: جریان اول، بین‌المللی‌گرایی محافظه‌کار^۱ است که بر فعالیت ایالات متحده در عرصه سیاسی، اقتصادی و نظامی در خارج از آمریکا اهتمام دارد. دومین گروه، انزوایی‌گرایی محافظه‌کارانه^۲ است که از جنگ‌های خارجی اجتناب دارد و معتقد است باید هزینه‌های نظامی کاهش یابد. در نهایت، سومین گروه، ناسیونالیسم محافظه‌کار است. این گروه تمایلی به کمک‌های خارجی و مداخلات بشردوستانه ندارد. اما همواره به قدرت دفاع ملی و مواضع سرسختانه نسبت به دشمنان آمریکا اهتمام دارد (بیگدلی و خبیری، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۶).

مطالعه و شناخت سیاست خارجی ترامپ بسیار دشوار است. برخی ترکیبی از این دیدگاه‌ها را در رفتار ترامپ مورد تأکید قرار داده‌اند، اما وی در سیاست خارجی به جریان ناسیونالیسم محافظه‌کار تعلق دارد (بیگدلی و خبیری، ۱۳۹۶: ۱۷).

مهمترین چارچوب و رویه‌های اجرایی سیاست خارجی ترامپ عبارتند از:
الف) وفاداری و اقدام در چارچوب جناح جمهوری‌خواه

^۱ - Conservative Internationalism

^۲ - Conservative Isolationism

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———

ب) سیاست خارجی منفعت‌طلبانه

تحلیل‌گران سیاسی بر این باورند که ترامپ به دلیل تاجر بودن و سوابق اجرایی در زمینه مسائل اقتصادی، سیاست خارجی منفعت‌طلبانه را در پیش گرفته است (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۵: ۷). رویکرد ترامپ به غرب آسیا و رابطه با عربستان و کشورهای شیخ‌نشین خلیج فارس را در این راستا می‌توان ارزیابی کرد.

ج) تلفیق انزواگرایی و مداخله‌گرایی

یکی دیگر از مؤلفه‌های سیاست خارجی ترامپ، تردید در خصوص نگاه به داخل و خارج است. در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، دو سنت اصلی انزواگرایی و مداخله‌گرایی یا بین‌المللی‌گرایی وجود دارد (کریمی‌فرد، ۱۳۹۷: ۲۸۸). سنت انزواگرایی بر آن است که مرادفات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با سایر کشورها را به حداقل کاهش دهد. از مهمترین دلایل این رویکرد می‌توان به شرایط ژئوپولیتیک، تهدیدات و فشارهای خارجی و بافت و ساختار نظام بین‌المللی اشاره کرد (قوام، ۱۳۸۶).

ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی و پس از حضور در کاخ سفید همواره از نگاه به داخل سخن رانده است. اما رویکرد ترامپ نشان می‌دهد وی برای تحقق رؤیای اول آمریکا و سیاست خارجی منفعت‌طلبانه مجبور به «مداخله‌گرایی» است. به عبارتی، مداخله‌گرایی گزینشی و سیاست تهاجمی از رویکردهای اصلی ترامپ پس از ورود به کاخ سفید است (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۵: ۸). با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، رئالیسم تهاجمی جامعیت و قدرت تعیین‌کنندگی خوبی در خصوص سیاست خارجی آمریکا در دوران ترامپ حداقل در نگاه به ایران دارد. بر اساس این نظریه، موازنه‌سازی جهانی در جریان است و در این آوردگاه، خاورمیانه از جایگاه مهمی برخوردار است و ایران عامل به چالش کشیدن قدرت هژمون آمریکا در منطقه است. استفان والت می‌نویسد: ترامپ با کم‌باوری و زوداطلاعی‌اش، این دیدگاه عربستان، اسرائیل و امارات را که ایران یک هژمون خطرناک بالقوه و در آستانه بنا نهادن امپراطوری جدید پارسی است را پذیرفته است.

۳- سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی ترامپ در مورد جمهوری اسلامی ایران، کاملاً خصمانه است. ترامپ در مبارزات انتخاباتی خود، وعده خروج از برجام را داد و پس از ورود به کاخ سفید، آن را عملی ساخت. ترامپ به دنبال سلطه و هژمون بر منطقه خاورمیانه است و در این زمینه، ایران چالش و مانع اساسی پیش روی آمریکا است.

مهم‌ترین رویکردهای سیاست خارجی ترامپ که به نوعی با جمهوری اسلامی در ارتباط

است، عبارتند از:

۳-۱. تثبیت هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل، ارتقای موقعیت استراتژیک آمریکا، افزایش ضریب امنیتی حضور خود در منطقه و اعمال کنترل بر جریان نفت است. البته، از مسأله تضمین امنیت اسرائیل و تضعیف و نابودی محور مقاومت هم نباید غفلت کرد.

۳-۲. خروج از برجام؛ برجام علی‌رغم اینکه یک توافق‌نامه بین‌المللی بود، به راحتی از سوی دونالد ترامپ کنار گذاشته شد و این باعث ناامنی در جهان شده است. ترامپ با انتقاد از دستگاه دیپلماسی آمریکایی در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز می‌گوید: «ما در این توافق میلیاردی دلار پول به آن‌ها (ایرانیان) دادیم که نباید می‌دادیم» (Vatanka-July, ۲۰۱۶).

۳-۳. تشدید تحریم‌ها علیه ایران:

ترامپ با تشدید تحریم علیه ایران به دنبال ایجاد نارضایتی عمومی از دولت ایران و در نهایت، فروپاشی از درون است. در این راستا، ترامپ یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است که پیامد آن تهدید و ناامنی در منطقه و روابط تجاری جهان است.

۳-۴. خاورمیانه منبع اصلی انرژی جهان

زیبگینیو برژینسکی در بحث حمله به عراق علی‌رغم مخالفت می‌گوید:

«کنترل عراق به آمریکا یک امتیاز تعیین‌کننده» نسبت به دیگر جوامع صنعتی می‌دهد، زیرا اگر شما نفتی را که آن‌ها برای ادامه حیات به آن وابسته‌اند، کنترل کنید، درباره بسیاری از چیزهای دیگر منظور سلطه و کنترل ژئوپولیتیک است نیز به تصمیمات ما وابسته خواهد شد (چامسکی و آشکار، ۱۳۸۸: ۱۰۵). سفر دونالد ترامپ به عربستان سعودی در می ۲۰۱۷، بخشی از این راهبرد را تعقیب می‌کرد.

۳-۵. اتحاد منطقه‌ای علیه ایران

دونالد ترامپ در می ۲۰۱۷ م کشورهای عربستان سعودی و اسرائیل را به عنوان اولین مقصد سفر خارجی خود انتخاب کرد. از مهمترین اهداف این سفر که با محوریت ایران‌هراسی صورت گرفت، ایجاد اتحاد در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ارتقای توان نظامی هم‌پیمانان آمریکا در برابر ایران بود (سلیمان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷۸). ایجاد ائتلاف غربی، عربی-عبری علیه ایران از اهداف ترامپ است. در کنار این رویکرد، پیگیری ناتوی عربی در منطقه خلیج فارس با هدف ایجاد یک دیواره امنیتی در مقابل جمهوری اسلامی ایران است.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
ایجاد ناتوی عربی، یک تهدید کاملاً آشکار علیه جمهوری اسلامی ایران است و معمای امنیتی ایران را تقویت می‌نماید.

۳-۶. حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل (طرح معامله قرن با هدف ارتقای امنیت اسرائیل و در نهایت، تضعیف ایران و محور مقاومت از راهبردهای اساسی و سیاست خارجی ترامپ است).

۳-۷. حمایت از سیاست تهاجمی عربستان سعودی علیه ایران

ترامپ با حمایت از عربستان سعودی چه در بحران یمن و چه در عراق و سوریه، به دنبال کاهش نفوذ و قدرت ایران در منطقه است. در این زمینه، تقابل ایران و عربستان سعودی، تنگنای امنیتی را در منطقه افزایش داده است.

۴- سیاست خارجی ترامپ و معمای امنیتی برای ایران

«معمای امنیت» یکی از شناخته‌شده‌ترین مفاهیم در ادبیات روابط بین‌الملل است که منطق اصلی رئالیسم تهاجمی را بازتاب می‌دهد. اساس این معما در این حقیقت است که اقدامات یک دولت در راستای ارتقای سطح امنیتش مساوی با کاهش امنیت دیگر دولت‌هاست (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۴۰).

در شرایط جدید، دولت ترامپ با پیگیری سیاست حضور فعال در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به خصوص حضور در عراق و افغانستان و بسط روابط نظامی با عربستان سعودی و پیگیری معامله قرن، چالش‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی به وجود آورده است. رویکردهای سیاست خارجی ترامپ از دو جهت برای ایران معمای امنیتی به وجود آورده است:

الف: حضور مستقیم نیروهای آمریکایی در همسایگان ایران، یعنی عراق و افغانستان و تأکید ترامپ بر تداوم این نیروها در عراق برای مهار ایران، علی‌رغم پایان جنگ با داعش در عراق.
ب: ترامپ بر آن است با انجام معامله قرن (حل و فصل بحران فلسطین و به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی اعراب)، نظم سیاسی جدیدی را بر خاورمیانه حاکم نماید. نظم سیاسی که با هدف تضعیف و نابودی محور مقاومت طراحی شده است. بی‌شک، استقرار نظم جدید سیاسی منجر به ایجاد تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه شده و این تغییرات به ایجاد معمای جدید امنیتی برای ایران منجر می‌شود. معمای جدید امنیتی بر پایه منافع ملی آمریکا و متحدان سنتی او طرح‌ریزی شده و در تضاد آشکار با موقعیت و منافع ملی ایران است. این سیاست‌ها نه تنها به کاهش نقش ایران در منطقه منجر می‌شود، بلکه امنیت ملی ایران را نیز به خطر می‌اندازد.

سیاست خارجی ترامپ در این حوزه، ایجاد پایگاه نظامی در کشورهای همسایه ایران، دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی و محاصره اقتصادی ایران است.

۱-۴. ایران مانع هژمونی امریکا در خاورمیانه

قدرتهای بزرگ در تلاش هستند که قدرت خود را نسبت به رقبا افزایش داده و امیدوار به کسب موقعیت هژمونیک هستند. هژمون به معنای سلطه بر نظام بین‌الملل است که معمولاً سلطه بر کل جهان تلقی می‌شود. با این حال، ممکن است مفهوم هژمونی به صورت جزئی‌تر برای یک منطقه جغرافیایی خاص به کار رود (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۴۶). در دوره پس از جنگ سرد، نقش شاخص‌های هژمونیسیم سیاسی - ایدئولوژیک در فرایند مداخله‌گرایی امریکا پررنگ‌تر شد (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۲۱). بر اساس نظریه هژمونی و تئوری ثبات هژمونیک، قدرت هژمون سعی دارد که نظم سیاسی و نظم اقتصادی تعریف شده خود را در سطح جهان گسترش دهد. در این بین، مناطقی که بیشترین منافع را برای هژمون دارند یا بیشترین تعارض را با نظم مطلوب تعریف شده داشته باشند، بیش از همه مورد توجه بوده و کشورهای هدف هستند. در این راستا، خاورمیانه به دلایل سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی شدیداً مورد توجه است.

امریکا در خاورمیانه چند مسأله را تهدیدکننده هژمونی خود می‌داند:

الف) مسائل ایدئولوژیک که تبلور آن در اسلام انقلابی در ایران است.

ب) مسائل سیاسی (تضعیف و فروپاشی رژیم‌های همسو با امریکا در منطقه موضوعی که به افزایش قدرت ایران منجر شده است). امریکا وقوع بهار عربی یا بیداری اسلامی را تهدیدی امنیتی برای خود می‌داند. لذا، به دنبال مهار و یا تغییر روند سیاسی در این کشورهاست.

ج) تضعیف و شکست سیاست‌های امریکا در خاورمیانه (مهم‌ترین رویکرد امریکا در این زمینه، ایجاد یک سیستم جدید امنیتی در خلیج فارس و حل مناقشه اعراب و اسرائیل است) (خسروی، ۱۳۸۷: ۳۲).

امریکایی‌ها با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی در ایران، وقوع بیداری اسلامی، اسلام سیاسی، جایگاه ژئوپولیتیکی ایران، امنیت و منافع اسرائیل و نفت و بازار منطقه را چالش خود و ایران می‌دانند (منصوری، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۹۶).

سیاست خارجی ترامپ در خاورمیانه بر مهار و مقابله با ایران متمرکز است، زیرا امریکا ایران را تهدیدکننده اساسی هژمونی خود در منطقه می‌داند. اقدامات امریکا در صورت اجرایی شدن در خاورمیانه منجر به کاهش و تهدید امنیت ایران می‌گردد. مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های امریکا در این زمینه عبارتند از:

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———

۱-۱-۴. تضمین و ارتقای امنیت اسرائیل

۱-۲-۴. تضعیف کشورها و گروه‌های محور مقاومت (ایران، سوریه، عراق، حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی و...).

۱-۳-۴. سلطه بر تنگه‌های باب‌المندب به کانال سوئز و تنگه هرمز و ایجاد تغییرات ژئوپولیتیکی به نفع آمریکا،

۱-۴-۴. سلطه بر منابع و انرژی منطقه خلیج فارس. امنیت انرژی از متغیرهای اساسی است که در مداخله‌گرایی آمریکایی بسیار مؤثر است. ایالات متحده در پی تثبیت جایگاه خود به عنوان تنها قدرت هژمون در عرصه جهانی است، لذا سیاست امنیت انرژی هم برای خود و هم برای دیگر کشورها در دایره توجه قرار دارد (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۲۴۵).

معمای جدید امنیتی ایران در نیمه این اهداف آمریکا برای هژمون بر منطقه خاورمیانه حادث شده است. زیرا تحقق هر کدام از این اهداف که در راستای تضمین و ارتقای امنیت آمریکا و هم‌پیمانان آن است، منجر به شرایط ناامنی برای ایران می‌شود. آمریکایی‌ها در راستای اهداف هژمونیک خود از فشار دیپلماتیک، فشار اقتصادی تا تهدید نظامی و حتی استراتژی براندازی نظام را دنبال کرده‌اند. کارشناسان بیانیه ۱۲ ماده‌ای بمبئو وزیر خارجه دولت دونالد ترامپ را تفسیر به تغییر رژیم کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران به شدت به سیاست‌های آمریکا در منطقه که حاصل استراتژی نومحافظه‌کاران در منطقه می‌باشد، بدبین هستند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

ترامپ در مصاحبه‌ای با شبکه فاکس نیوز در مورد ایران می‌گوید:

«ایران دولت شماره یک حامی تروریسم است. آن‌ها پول و اسلحه به همه جا می‌فروشند. کشتی‌های جنگی ایالات متحده در خلیج فارس از سوی قایق‌های نظامی ایران احاطه شده و مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند. آن‌ها جسورتر شده‌اند. ایران هیچ احترامی برای ما قائل نیست» (یزدان‌فام، ۱۳۹۵).

ایران با حمایت از آرمان فلسطین و محور مقاومت و مقابله با طرح‌های هژمونیک آمریکا در خاورمیانه به نوعی از امنیت خود دفاع می‌نماید. به عبارتی، سیاست خارجی تهاجمی دولت ترامپ به معمای جدید امنیتی برای ایران تبدیل شده و سیاست تدافعی ایران را تلاشی برای مقابله با طرح‌های ناامن‌کننده آمریکا می‌توان به حساب آورد.

۲-۴. ترامپ، رویکرد محاصره و مهار ایران

همانطور که بیشتر اشاره شد، ایران چالش اساسی برای اهداف و منافع آمریکا در منطقه

سیاست خارجی ترامپ و معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران ♦
خاورمیانه است. نگرش‌ها و سیاست‌های درون‌گرایانه ترامپ برای تحقق رویای نخست امریکا و منفعت‌طلبانه، او را مجبور به مداخله‌گرایی گزینش و سیاست تهاجمی کرده است. برخی از مهم‌ترین رویکردهای ترامپ که به نوعی بر امنیت ایران اثرگذار است، عبارتند از:
۱-۲-۴. ورود عناصر تندرو و ضدایرانی به کابینه ترامپ (جان بولتون، پمپئو، کوشنر،...). این افراد بارها و به صراحت از براندازی جمهوری اسلامی ایران سخن رانده‌اند و موضع خصمانه آن‌ها علیه ایران کاملاً روشن است.
۲-۲-۴. تلاش برای ایجاد ائتلاف‌ها به منظور تحت کنترل قرار دادن دولت‌های دشمن به خصوص ایران با اتخاذ استراتژی محاصره و مهار ایران.
۳-۲-۴. ایالات متحده امریکا برای تحقق اهداف خاورمیانه‌ای خود به خصوص طرح‌های مقابله با ایران، چشم خود را بر ساخت‌های غیردموکراتیک در منطقه بسته است. اولویت ارتباط با عربستان سعودی و دیگر دولت‌های عربی منطقه همگی در راستای سیاست تقابلی امریکا با ایران است.
۴-۲-۴. دامن زدن به مسابقه و خرید تسلیحاتی، اقدامی که به شکاف‌ها در منطقه دامن زده و به ناامنی منطقه منجر شده است.

کارشناسان رویکرد نوین ترامپ را مداخله‌گرایی غیرمسئولانه می‌دانند که هدفش صرفاً تأمین منافع ایالات متحده امریکا و محافظت از رفاه امریکایی است (www.whitehouse.gov/wp).

۳-۴. حضور نیروهای امریکایی در کنار مرزهای ایران

حضور نیروهای امریکایی در کشورهای همسایه به خصوص تأکید اخیر ترامپ بر باقی ماندن نیروهای امریکایی در عراق برای مهار ایران از عوامل اساسی شکل‌گیری معمای امنیتی برای ایران است. به عبارت دیگر در شرایط جدید، ایالات متحده با پیگیری سیاست‌های حضور درازمدت در منطقه— خود «متعادل‌کننده» راهبردی قدرت و نقش ایران در منطقه و نیز جانشین تهدیدهای امنیتی قبلی است (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۳). حضور سربازان امریکایی در نزدیکی مرزهای ایران در عراق و افغانستان و استقرار ناوگان‌ها و کشتی‌های نظامی آن‌ها در منطقه خلیج فارس به بهانه تأمین امنیت امریکا، عامل بی‌ثباتی و ناامنی ایران است. شکل‌گیری گروه‌های تروریستی، بمب‌گذاری در نواحی مرزی، قاچاق مواد مخدر و سلاح و... بخشی از پیامدهای حضور امریکا در پیرامون ایران است.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———

۴-۴. ترامپ و خاورمیانه جدید و معمای جدید امنیتی

دونالد ترامپ بر آن است تا با انجام معامله قرن، نظم سیاسی جدید موردنظر خود را در خاورمیانه مستقر سازد. سیاست‌ها و تلاش‌های دولت ترامپ برای تحقق هدف مذکور در راستای منافع ملی امریکا و مقابله با نفوذ و مهار ایران است. چنین سیاستی نه تنها امنیت ملی ایران را به شدت کاهش داده، بلکه منجر به کاهش نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه خواهد شد. معمای جدید امنیتی در اینجا این است که سیاست‌های امریکا که در راستای امنیت پایدار در منطقه تلقی می‌گردد، همزمان برای ایران «کاهش امنیت منطقه‌ای» به حساب می‌آید (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

۴-۵. سیاست‌های ایدئولوژیک ترامپ و امنیت ایران

با روی کار آمدن ترامپ، رویکردهای ایدئولوژیک در سیاست خارجی امریکا تقویت شده است. دولت ترامپ بر آن است تا با بهره‌گیری از رقابت‌های قومی و مذهبی به بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی ایران دامن بزند. تحرکات دولت ترامپ امریکا در عراق و افغانستان در این زمینه کاملاً مشکوک است.

امریکا با حمایت از سیاست‌های مذهبی عربستان سعودی در عراق، سوریه، افغانستان و یمن، سیاست تضعیف حضور ایران در منطقه را دنبال می‌نماید. بحران آفرینی امریکا در این حوزه ضمن دامن زدن به تنش‌های قومی و مذهبی، موجب بی‌ثباتی در منطقه گردیده است. سیاست تهاجمی امریکا با هدف حفظ منافع و امنیت خود و هم‌پیمانان باعث افزایش تهدید امنیتی برای ایران شده است.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی، تبیین و تحلیل سیاست خارجی دولت ترامپ بر امنیت جمهوری اسلامی ایران بود. روی کار آمدن ترامپ در امریکا و اتخاذ رویکرد نخست امریکا با مداخله‌گرایی‌گزینی، تأثیرات عمیقی بر امنیت بین‌المللی به خصوص خاورمیانه و ایران داشته است.

در پاسخ به سؤال این پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد که امریکا به دنبال سلطه هژمونیک بر منطقه خاورمیانه است. تضمین امنیت اسرائیل، ارتقای هم‌پیمانان سنتی امریکا و اضمحلال محور مقاومت از اهداف امریکایی‌ها در منطقه است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر چقدر امریکایی‌ها به بهانه ارتقای امنیت هم‌پیمانان خود و سلطه بر منابع انرژی منطقه، حضور خود را در منطقه اطراف ایران چون عراق و افغانستان با ایجاد پایگاه‌های نظامی و ائتلاف‌های منطقه‌ای تقویت نماید، معمای امنیتی ایران افزایش خواهد یافت.

حضور مستقیم نیروهای امریکایی در کشورهای اقماری ایران و سیاست‌های تهاجمی دونالد ترامپ با هدف ایجاد نظم سیاسی در منطقه خاورمیانه، تهدیدات امنیتی ایران را افزایش داده است.

در چارچوب سیاست خارجی تهاجمی دولت ترامپ، عملکرد دولت امریکا از دو جهت مورد توجه است:

الف: تهدید جلوه دادن ایران به عنوان تهدید اول منافع امریکا در منطقه خاورمیانه. به عبارتی، امریکا، ایران را عامل برهم‌زننده امنیت منطقه می‌داند.

ب: امریکایی‌ها در تلاش هستند با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای، اجلاس‌های بین‌المللی (اجلاس ورشو)، توسعه حضور نظامی خود در منطقه ایجاد پایگاه‌های جدید در اطراف ایران و پیگیری معامله قرن، حضور خود را در منطقه خلیج فارس به عنوان حافظ امنیت توجیه نمایند. بی‌شک، در روند شکل‌گیری این استراتژی در دولت ترامپ، دو عنصر ایدئولوژی و منفعت‌گرایی کاملاً دخیل هستند.

منابع

الف: منابع فارسی

- اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۵). مجموعه مقالات سیاست خارجی دونالد ترامپ؛ چارچوبها و جهت گیری های احتمالی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول: ۱۵۳-۱۱۳.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۵). سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۴: ۱۶۴-۱۳۹.
- بیگدلی، محمدرضا؛ خبیری، کابک (۱۳۹۶). تاثیر سیاست خارجی دولت ترامپ بر مکانیزم امنیت دسته جمعی، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۳۷-۳۹.
- بیلچر، جان (۱۳۹۶). اربابان جدید جهان، ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی، مهرناز شهابی، تهران: نشر اختران.
- خسروی، غلامرضا (۱۳۸۷). امریکا و خاورمیانه: راهبردها و چالش ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چامسکی، نوام؛ آشکار، ژیلبر (۱۳۸۸). قدرت ویرانگر (خاورمیانه و سیاست خارجی آمریکا)، ترجمه محمدرضا شیخی محمدی، تهران: انتشارات خرسندی.
- سلیمان زاده، سعید؛ امیدی، علی؛ براتی، سحر (۱۳۹۷). راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزوآگرایی-واقع گرایی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶). روابط بین الملل؛ نظریه ها و رویکردها، تهران: سمت.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹). اقتصاد سیاسی مداخله گرایی در سیاست خارجی آمریکا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی فرد، حسین (۱۳۹۷). سیاست خارجی ترامپ و واقعیت های نظام بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸: ۲۸۵-۲۹۱.
- کلودزیچ، ادوارد (۱۳۹۰). امنیت و روابط بین الملل، ترجمه: نادریور آخوندی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرشایمر، جان (۱۳۸۸). تراژدی سیاست قدرت های بزرگ، ترجمه: غلامعلی چگنی زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- منصور، جواد (۱۳۹۰). چالش های ایران و آمریکا، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- سیاست خارجی ترامپ و معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران ◊
- یزدان فام، محمود (۱۳۸۸). **بررسی متون سیاست خارجی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۵). **سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره چهارم: ۱۴۱-۱۳۹.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۵). **شناخت و راهبرد؛ نگاهی به سیاست خارجی دولت ترامپ**، دیده بان امنیت ملی، شماره ۵۹.

ب: منابع لاتین

- Jack, s. Levy (۱۹۸۳). **War in The Modern Great Power System**, Lexington University Press of Kentucky, pp: ۱۰-۱۹.
- **National Security Strategy of United States**: <https://www.whitehouse.gov/wp>.
- Waltz, Kenneth (۱۹۷۹). **Theory of International Politics**, in: <https://www.press.umich.edu/pdf/۹۷۸۰۴۷۲۰۹۹۸۱۸-ch۱.pdf>.
- Vatanka, Alex; **U.S.-Iran Relations: Recommendations for the Next President**;
http://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF۱۷_Vatanka_IranUS_web.pdf.